

رابطه بین شرایط بی ثباتی اقتصادی کشور بر اصول وام دهی بانکها

محمد رضا زارع^۱

^۱ کارشناسی ارشد مدیریت مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، بانک صادرات ایران، استان یزد، واحد بازاریابی امور شعب

چکیده

شرایط کنونی اقتصاد کشور سبب گردیده تا بازارهای مالی با نوسانات مداوم قیمت در مواردی نظیر مسکن، طلا و ارز مواجه باشند و به دنبال آن بی ثباتی در بخش اقتصادی کشور رواج پیدا کند. همچنین بانکها مهم ترین موسسات پس انداز، تجهیز و تخصیص منابع مالی هستند که این نقش آنها را به یکی از عوامل موثر در رشد و توسعه اقتصادی کشور تبدیل کرده است و از طرفی به دلیل عدم برخورداری از بازارهای مالی گسترده و فعال، اهمیت این صنعت در بخش اقتصادی کشور چندین برابر شده است. نوسانات اقتصادی کشور تاثیر بسیاری بر تمامی بخش های جامعه از جمله نظام های بانکی داشته که علاوه بر بالا رفتن ریسک اعتباری بانک، تسهیلات پرداختی، سوددهی و سایر عوامل آن را تحت کنترل خود در آورده است. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، در این پژوهش به بررسی کتب، پایان نامه ها، پایگاه های اینترنتی و یافته های مقالات انجام گرفته در زمینه رابطه بین شرایط بی ثباتی اقتصادی کشور بر اصول وام دهی بانکها پرداختیم. نتایج بررسی های کتابخانه ای- مروری حاکی از آن بود که رشد اقتصادی یعنی ظرفیت های تولیدی کشور که موجبات رفاه مردم را فراهم می کند. بی ثباتی و وجود نوسان در سایر بخش های کشور، باعث بی ثباتی اقتصاد کلان می شود که به دنبال آن پیچیده شدن فرایند دریافت تسهیلات، افزایش نرخ بهره تسهیلات و در نتیجه افزایش معوقات بانکی را در پی خواهد داشت.

واژه های کلیدی: بی ثباتی اقتصادی، تسهیلات، ریسک اعتباری، وام دهی

مقدمه

دامنه وسیع اثرگذاری و تاثیرپذیری، نرخ رشد اقتصادی را به شاخص بسیار مهمی در اقتصاد کلان در ارزیابی عملکرد اقتصادی کشورها تبدیل کرده است. از آن جایی که رشد اقتصادی بیانگر اندازه اقتصاد یک کشور و ظرفیت های تولید آن است و موجبات افزایش رفاه را فراهم می آورد، در جایگاه یک هدف مهم سیاسی تلقی می گردد. از این رو استغال، توزیع درآمد، سطح قیمت ها، مصرف و سرمایه گذاری از متغیرهای بسیار مهم اقتصادی هستند که تحت تاثیر رشد اقتصادی قرار دارند؛ بنابراین، با توجه به اهمیت میزان تولید و رشد اقتصادی در هر جامعه، دستیابی به تولید بیشتر و نرخ رشد بالاتر، همواره دغدغه دولت ها و ملت ها ب منظور حصول توسعه واقعی بوده است. همچنین، به دلیل وجود رابطه تنگاتنگ میان ساختار سیاسی و ساختار اقتصادی، بی ثباتی سیاسی در دیدی کلان می تواند منجر به بروز بی ثباتی اقتصادی که این امر خود عامل اختلال در رشد اقتصادی است، گردد (شریف پور لاتونی، ۱۳۹۸). پیشرفت های سالیان اخیر در زمینه های علوم و فنون، مخصوصا در نظام مالی و نهادهای پولی و مالی، تحول عظیمی را بنیان نهاده و منشا دگرگونی در نگرش ها و رفتار افراد نسبت به محیط اقتصادی و نهادهای مربوط به آن شده است. سیستم مالی یکی از مهم ترین اجزای هر اقتصاد محسوب می شود. سیستم مالی شامل شبکه ای از بازارهای مالی، موسسات، شرکت های تجاری، خانوارها و دولت می باشد که در آن سیستم مشارکت داشته و عملیات آن سیستم را تنظیم می کنند (باقری، ۱۳۹۴). بانک به عنوان یکی از قدرتمندترین بنگاه های اقتصادی و موسسات مالی در کشور است (رمضانت تبارکامی، ۱۴۰۰) که با کوچک ترین تغییر در سیاست های کلان و خرد دستخوش دچار تغییرات شدیدی می شود. اهمیت نقش بانک ها تنها ناشی از واسطه گری مالی آن ها به معنی انتقال منابع بین سپرده گذاران نیست، بلکه بانک ها در محوریت ضریب فزاینده ی پولی قرار دارند (جان پناه، ۱۴۰۱) و از بارزترین مشخصه بانک ها از یک سو می توان به اعطای تسهیلات مالی و از سوی دیگر به سپرده پذیری از عموم افراد جامعه اشاره کرد. در این راستا، برخورداری از سرمایه مناسب و کافی یکی از شرایط لازم برای حفظ سلامت نظام بانکی است و هر یک از بانک ها و موسسات اعتباری برای تضمین ثبات و پایداری فعالیت های خود باید همواره از نسبت مناسب سرمایه برخوردار باشند (بیابانی، ۱۴۰۰). از طرفی در اقتصاد ایران با توجه به عدم وجود بازار مالی گسترده و فعال، بخش بانکی نقش اصلی را در تامین مالی بخش تولید دارد. با توجه به شرایط حاکم بر اقتصاد ایران، بازار مالی به طور مداوم با نوسانات قیمت دارایی ها نظیر مسکن، طلا و ارز مواجهه است. که این نوع دارایی ها اغلب به عنوان جایگزینی برای سپرده خانوارها تلقی می شوند. بانک مرکزی با بازار سیاستی در دست خود و اعمال سیاست های پولی، میزان سپرده گذاری خانوار و قدرت وام دهی بانک ها را تحت تاثیر قرار می دهد (پورعجم، ۱۳۹۹).

پدرام و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان اثر نااطمینانی اقتصاد کلان بر وام دهی بانک ها در ایران دریافتند که عدم اطمینان اقتصادی در سطح کلان، اثر منفی بر نسبت وام به دارایی بانک ها دارد (ضریب منفی و معنادار) است. به عبارت دیگر، هرچه واریانس شرطی نرخ رشد اقتصادی افزایش پیدا کند، بانک ها در واکنش به آن، میزان وام دهی خود را کاهش می دهند.

بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیق مهرآرا و همکاران (۱۳۹۵) تحت عنوان نقش نوسانات اقتصادی بر تسهیلات اعطایی بانک ها از کانال سرمایه اضافی بانک وجود مازاد سرمایه منجر به تاثیرگذاری مثبت شوک های اسمی بر ارائه تسهیلات شده، اما در مواجهه با شوک های حقیقی سرمایه قادر به کاهش در ارائه تسهیلات بانکی نمی شود.

یکی از با اهمیت ترین بخش های اقتصادی کشو، صنعت بانکداری می باشد که می تواند زمینه های رشد و توسعه اقتصادی را با سازماندهی و مدیریت صحیح منابع و مصارف خود فراهم کند (صفائی ایلخچی، ۱۴۰۰). امروزه نقش و تاثیرگذاری بنیادین بانک ها در اقتصاد، در قالب واسطه های مالی و تسهیل کننده های سیستم پرداخت اعتبار پذیرفته شده است. به طور کلی، بانک ها از وام ها برای ایجاد درآمد استفاده کرده و درآمد اصلی شان از شکاف میان نرخ سپرده و وام اعطا شده به دست می آید

(مظفری، ۱۳۹۶). همچنین با توجه به اینکه سیستم های بانکی را بروز بحران های مالی در دو دهه اخیر محتمل زبان های قابل توجه کرده است و مطالعات تجربی نشان می دهد که علت شکل گیری بحران های مالی شرایط اقتصادی است، بنابراین در این شرایط به خصوص در بخش های پولی و مالی برای آینده چشم انداز روشنی وجود ندارد. زیرا این بخش ها نسبت به ناطمینانی حساس می باشند و این امر در کشورهای در حال توسعه که بازارهای مالی توسعه یافته ای مانند بورس ندارند و بانک محور می باشند، مشهودتر است. بنابراین در شرایطی که در کشور ناطمینانی اقتصادی کلان وجود داشته باشد، بخش های پولی و بانکی کارایی خود را از دست خواهند داد (صفائی ایخچی، ۱۴۰۰) و ما در این مقاله سعی کردیم به بررسی رابطه بین شرایط بی ثباتی اقتصادی کشور بر اصول وام دهی بانک ها بپردازیم.

مبانی نظری

بی ثباتی اقتصادی

همواره یکی از دل مشغولی های مسئولان و سیاست گذاران ثبات کشور بوده است. وقتی از ثبات صحبت می کنیم، وجهه های مختلفی از آن در نظر گرفته می شود. ثبات می تواند به صورت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مالی و اقتصادی باشد. به گونه ای که تغییر هر یک از این موارد منشأ بسیاری از تحولات برای کشورهاست. در سایه ثبات، تصمیم گیری برای عوامل اقتصادی راحت تر است و انتظار می رود سرمایه گذاری و رشد اقتصادی افزایش یابد و زمینه برای توسعه یافتگی فراهم شود. در مقابل در شرایط بی ثباتی، تصمیم گیری های آینده پیچیده و مشکل خواهد بود و این بی ثباتی تصمیمات عاملان اقتصادی را متاثر می سازد و به انحرافات در تصمیم گیری آن ها منجر می شود. اقتصاد ایران طی چند دهه اخیر شاهد نوسانات شدیدی در متغیرهای اقتصادی و مالی بوده است. بر اساس تعریف موسسه ریورت، اصطلاح ثبات اقتصاد کلان وضعیتی از اقتصاد ملی را توصیف می کند که در آن آسیب پذیری های ناشی از شوک های خارجی به حداقل برسد. بر اساس تعریف موسسه پی.آر. اس بی ثباتی اقتصادی با ۵ عامل تولید ناخالص داخلی سرانه، رشد اقتصادی، نرخ تورم، توازن بودجه به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی و تراز تجاری به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی شناسایی می شود. بی ثباتی مالی نیز به وضعیتی گفته می شود که بحران های مالی نظام مند، ثبات اقتصاد کلان را تهدید کند. بحران مالی به یک تغییر ناگهانی و سریع در همه یا اکثر شاخص های مالی، شامل نرخ های بهره کوتاه مدت و قیمت دارایی ها (اوراق بهادر، سهام، مستغلات، زمین) و ورشکستگی و سقوط موسسات مالی اطلاق می شود (کشاوری و رضایی، ۱۴۰۰). بی ثباتی نیز از تغییرپذیری متغیرها ناشی می شود و یک مفهوم کاملاً آماری است. اگر عوامل اقتصادی نتوانند یک متغیر کلان مانند تولید یا تورم را به طور کامل پیش بینی کنند، ناطمینانی برای آن متغیر به وجود می آید. بنابراین مشخص می شود که ناطمینانی برعکس تغییرپذیری که صریحاً قابل مشاهده و محاسبه است، یک مفهوم ذهنی و به طور کامل قابل مشاهده نیست و تنها می توان از تخمین ها استفاده و نماینده هایی برای آن در نظر گرفت. در بسیاری از مواقع تلویحاً تغییرپذیری با ناطمینانی معادل گرفته می شود، یعنی وقتی نوسانات تورم یا تولید چنان است که تغییرپذیری افزایش می یابد، چنین فرض می شود که ناطمینانی تورم یا تولید افزایش یافته است و در واقع وقتی معیار بهتری برای ناطمینانی وجود ندارد از تغییرپذیری به عنوان معیار ناطمینانی استفاده می شود. ثبات اقتصادی به عنوان نکته مقابل بی ثباتی به وضعیتی از اقتصاد اطلاق می شود که در آن آسیب پذیری ناشی از شوک ها و اخلال ها به حداقل خود برسد. معمولاً رشد اقتصاد پایدار و تورم پایین از مشخصه های مطلوب ثبات اقتصادی است. در بررسی بی ثباتی، شوک ها معمولاً به آن جز از تغییرات متغیرهای کلان گفته می شود که قابل پیش بینی نبوده و در نتیجه رابطه ای بسیار نزدیک با بی ثباتی و ناطمینانی اقتصادی دارد (گلمرادی و همکاران، ۱۳۹۶).

اصول وام‌دهی

نقش بانک‌ها در اقتصاد ایران را می‌توان مهمترین پل ارتباطی بین عرضه و تقاضای منابع پولی دانست. به طوری که هرگونه نقصان در ساختار این بخش و ناکارآمدی عملکرد آن زمینه‌های بروز اختلال در سایر بخش‌های اقتصادی را فراهم می‌کند (دل‌افروز و همکاران، ۱۳۹۸). خط‌مشی‌های مدیریت اعتبار به عنوان رهنمودهای کتبی در نظر گرفته می‌شود که شرایط و ضوابط تامین کالاهای اعتباری، معیارهای صلاحیت مشتری، مجموعه‌های تشکیل روش و اقدامات لازم در صورت بزهکاری مشتری را تعیین می‌کند. این اصطلاح همچنین به عنوان سیاست جمع‌آوری نامیده می‌شود (اولاییسی و همکاران، ۲۰۱۹). یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر اعتبار بانک‌ها در جهت اعطای وام، سیاست پولی است، این سیاست معمولاً توسط بانک مرکزی و با استفاده از ابزارهای متعددی از جمله ابزار نرخ ذخیره قانونی، نرخ تنزیل مجدد و عملیات بازار باز انجام می‌شود. بازارها و ابزارهای مالی باید از ابعاد مختلف حقوقی و اقتصادی به گونه‌ای طراحی شوند که سود حاصل از به کارگیری تسهیلات در سرمایه‌گذاری‌ها میان استفاده‌کنندگان از وجوه مازاد (دریافت‌کنندگان تسهیلات) و بانک به صورت عادلانه توزیع شود. به عبارت دیگر بانک اسلامی مسئولیت دارد با فراهم کردن زمینه‌های لازم و شرایط رقابت سالم، نرخ‌های بازدهی تسهیلات با نرخ‌های معین (تسهیلات بر اساس عقود مبادله‌ای چون بیع نسبه، اجاره سرمایه‌ای) و سهم سود تسهیلات با نرخ‌های انتظاری (تسهیلات بر اساس عقود مشارکتی چون شرکت و مضاربه) را در حد ارزش افزوده سرمایه در اقتصاد تحقق بخشد. بر اساس قانون بانکداری بدون ربا، نظام بانکداری می‌تواند وجوه و منابع حاصل از سپرده‌ها را با استفاده از روش‌های گوناگون تخصیص دهد. رابطه حقوقی بانک و متقاضی تسهیلات در عقود مشارکتی و مبادله‌ای، می‌تواند بر بازدهی انواع تسهیلات بانکی برای بانک‌ها موثر باشد. تسهیلات بانکی باید با توجه به ابعاد مختلف حقوقی و اقتصادی به گونه‌ای طراحی شوند که بانک و به تبع سپرده‌گذار به ارزش افزوده حاصل از به کارگیری سرمایه خود برسد. پیش شرط تحقق این مفهوم آن است که معاملات روشن و شفاف صورت پذیرد، معیارهای سنجش عادلانه و دقیق باشد و قیمت‌ها بر اساس حقوق طرفین شکل گیرد. شرایط اعتبار وضعیتی را فراهم می‌کنند که سازمان‌ها از طریق آن مالی یا اعتباری را به مشتریان ارائه می‌دهند (رنجی جفرودی و پورعلی، ۱۴۰۰).

پیشینه تحقیق

نتایج پژوهش زنگنه و همکاران (۱۴۰۱) با بررسی اثرات نامتقارن عوامل اقتصادی بر سطح تسهیلات بانکی بیان می‌کند که در دوران رونق اعتباری، رشد اقتصادی تنها متغیر اثرگذار بر تسهیلات است و در دوران بحران اعتباری، نرخ تورم، نرخ سود تسهیلات و مطالبات غیر جاری اثری معکوس بر تسهیلات دارند در حالی که نرخ سود سپرده‌های بانکی و نرخ رشد ارز، اثری مثبت و معنادار بر نرخ رشد تسهیلات بانکی می‌گذارند. این اثرگذاری نامتقارن عوامل کلان اقتصادی طی دوران رونق و بحران اعتباری در سیاست‌گذاری مهم جلوه می‌کند و شایسته است هنگام سیاست‌گذاری پولی مد نظر قرار گیرد.

برآورد نتایج مدل (START) پژوهش فعال نصیری و همکاران (۱۴۰۱) تحت عنوان ساز و کار اثرگذاری عوامل اقتصادی بر حجم سپرده بانکی در نظام بانکی ایران (آزمون درون‌زایی پول در مقابل برون‌زایی پول) نشان می‌دهد افزایش درآمدهای نفتی و افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی باعث افزایش در پایه پولی کشور شده و حجم نقدینگی نیز افزایش می‌یابد و به تبع آن تورم نیز افزایش خواهد یافت. انتظار از تورم در دوره آتی و نااطمینانی از نرخ تورم نیز در دامن زدن به شدت تورم تاثیرگذار است و هرچه نااطمینانی افزایش یابد، میزان حجم تسهیلات بانکی کاهش یافته و منجر به خروج پول از سیستم بانکی و ورود

به بازارهای سفته‌بازی و بازار سیاه خواهد شد و سرمایه‌گذاری در بخش تولید کاهش یافته و وضعیت تولید کشور را وخیم‌تر می‌کند.

نتایج پژوهش سامانی پور و همکاران (۱۳۹۹) تحت عنوان الزامات نظارت احتیاطی کلان و تاثیر آن بر ثبات نظام بانکی ایران نشان می‌دهد ثبات بانکی دوره قبل، تورم، اختلاف نرخ سود سپرده و تسهیلات، نرخ ارز، بازده حقوق صاحبان سهام؛ نسبت سرمایه به تسهیلات و نرخ رشد اقتصاد جهان دارای اثر مثبت بر شاخص ثبات می‌باشند همچنین شاخص مالی بورس اوراق بهادار، قیمت نفت، نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی و مطالبات غیر جاری دارای اثر منفی و بر ثبات بانکی هستند.

خدادادی و مهرآرا (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان اثر نوسانات اقتصاد کلان بر رفتار وام‌دهی بانک‌های تجاری در ایران دریافتند که وام‌دهی بانک‌های تجاری (نسبت وام به دارایی بانک) با نوسانات تولید در طول ادوار تجاری رابطه بلندمدت دارد. به بیان دیگر، در بلندمدت بهبود شرایط اقتصادی منجر به پذیرش بیشتر ریسک اعتباری توسط بانک‌ها و نسبت وام‌دهی بانک‌های تجاری می‌شود. از سوی دیگر افزایش دارایی بانک‌های تجاری که تقریبی از اندازه بانک است، حاکی از تاثیر معنادار آن بر رفتار وام‌دهی بانک‌های تجاری است. لذا بانک‌های بزرگتر ریسک‌پذیری بیشتری در اعطای وام دارند. پایه پولی قادر به افزایش توان وام‌دهی بانک‌ها (بر حسب نسبت وام به دارایی‌ها) نیست و در بلندمدت آن را هر چند به میزان ناچیز کاهش می‌دهد.

نتایج تحقیق گلمرادی و همکاران (۱۳۹۶) تحت عنوان تاثیر بی‌ثباتی متغیرهای کلان اقتصادی بر منابع و مصارف نظام بانکی ایران نشان می‌دهد که تاثیر بی‌ثباتی و نا اطمینانی رشد تولید بر رشد منابع نظام بانکی (تجهیز منابع)، منفی و معنادار و پرتخصیص منابع (رشد اعتبارات) مثبت و معنی‌دار است که این موضوع می‌تواند ریسک اعتباری بانک‌ها را تشدید کند. همچنین در این مطالعه معنی‌دار بودن اثر منفی بی‌ثباتی و نا اطمینانی تورم بر جذب منابع و اثر مثبت آن بر تخصیص منابع مورد پذیرش قرار نگرفته است.

روش پژوهش

این مقاله جز تحقیقات کاربردی است زیرا به بررسی رابطه بین شرایط بی‌ثباتی اقتصادی کشور بر اصول وام‌دهی بانک‌ها می‌پردازند. روش پژوهش تجزیه و تحلیل کتابخانه‌ای- مروری است که برای گردآوری یافته‌ها از مقالات، اسناد، پایان‌نامه‌ها و پایگاه‌های الکترونیکی در این حوزه بهره گرفته‌ایم.

یافته‌ها

جدول تحقیقات پیشین

| ردیف | نویسنده/ نویسندگان | موضوع | سال انتشار | یافته‌ها |
|------|---|--|------------|---|
| ۱ | گلزار، مومنی وصالیان، دامن کشیده و محرابیان | بررسی توسعه بازارهای مالی بر تاثیرپذیری ادوار تجاری و رشد اقتصادی از نوسانات | ۱۴۰۰ | بحران‌های مالی نیز منجر به افزایش شکاف تولید در این گروه کشورها شده است. بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی در کشورهای دارای در حال |

| | | | | |
|---|---|--|------|---|
| | | قیمت نفت | | توسعه نفتی و ایجاد تغییرات سریع در محیط بانک‌ها ریسک بنگاه‌های مالی را دوچندان کرده است. بالا بودن ریسک فعالیت بانکداری و ریسک نقدینگی و انتقال این ریسک به سایر بخش‌های پولی و مالی اقتصاد، افزایش هزینه و پیچیده شدن فرایند دریافت تسهیلات، تحمیل این هزینه به سایر تسهیلات و کاهش توان تامین اعتبار، انحراف و عدم تحقق اهداف تسهیلات و در نهایت اختلال در سیستم پولی و بانکی کشورها، کاهش کارایی سیستم بانکی و عدم تخصیص بهینه منابع مالی به بخش‌های مورد نیاز، نقض حقوق سپرده‌گذاران، بدبینی کارگزاران اقتصادی به سیستم پولی و بانکی کشورها و افزایش ناامیدی نسبت به آینده، تزیع حقوق بانک‌ها توسط اشخاص ذی‌نفوذ و ممانعت از ورود این منابع به عرصه‌های سالم اقتصادی از تاثیرات ویران‌کننده رقابتی شدن بانک‌ها در سیستم اقتصادی کشورها است و همه عوامل منجر به بی‌ثباتی درآمد بانک‌ها و افزایش شکاف تولید می‌شود. |
| ۲ | عبدی سید کلایی، احسان‌فر و مظفر آهنگر کلایی | اثر نوسانات نرخ ارز بر قدرت وام‌دهی بانک‌ها در ایران | ۱۴۰۰ | یافته‌ها حاکی از آن است که رشد نسبت اعتبارات به سپرده‌های بانک‌ها در رویارویی با تکانه‌های نوسان نرخ ارز در دوره اول افزایش پیدا می‌کند. سپس، آهنگ کاهش در پیش می‌گیرد. رشد نسبت اعتبارات به سپرده‌های بانک‌ها در رویارویی با تکانه‌ی تورم و رشد تولید ناخالص داخلی به ترتیب واکنش منفی و مثبت از خود نشان می‌دهد. با تحلیل جدول تجزیه واریانس مشخص شد که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بیشترین قدرت توضیح‌دهندگی تغییرات رشد نسبت اعتبارات به سپرده‌های بانک‌ها را دارد. نتایج به دست آمده، فرضیه تحقیق را تایید می‌کند. زیرا، رشد نسبت اعتبارات به سپرده‌های بانک‌ها در رویارویی با تکانه‌ی نوسانات نرخ ارز ابتدا افزایش می‌یابد و پس از گذشت یک دوره کاهش می‌یابد. |
| ۳ | طاهری، صفوی، زندی | بررسی تاثیر ثبات در صنعت | ۱۴۰۰ | وقوع شوک‌های منفی نفتی، درآمدهای ارزی |

| | | | |
|---|--------------------------|--|--|
| | و ربیعی | بانکداری بر میزان کارایی سیستم بانکی اقتصاد ایران. | اقتصاد ایران کاهش یافته و با وجود نوسانات نرخ ارز و افزایش ریسک اعتباری و نرخ تورم، کارایی سیستم بانکی اقتصاد ایران کاهش می یابد که در نهایت به خاطر بالا بودن ریسک فعالیت بانکداری (ریسک اعتباری) و انتقال این ریسک به سایر بخش های پولی و مالی، افزایش هزینه و پیچیده شدن فرایند دریافت تسهیلات، تحمیل این هزینه به سایر تسهیلات و کاهش توان تامین اعتبار، انحراف و عدم تحقق اهداف تسهیلات، اختلال در سیستم پولی و بانکی کشور، کاهش کارایی سیستم بانکی و عدم تخصیص بهینه ی منابع مالی به بخش های مورد نیاز، نقض حقوق سپرده گذاران، بدبینی کارگزاران اقتصادی به سیستم پولی و بانکی و افزایش ناامیدی نسبت به آینده، تضعیف حقوق بانک ها توسط اشخاص ذی نفوذ و ممانعت از ورود این منابع به عرصه های تولیدی اقتصاد منجر به بی ثباتی درآمد بانک ها و در نهایت کاهش کارایی سیستم بانکی از جمله اصول وام دهی می شود. |
| ۴ | نیکخو، خلیلی و رحمانی | ثر بی ثباتی نرخ ارز و تورم در رفتار وام دهی بانک ها | ۱۳۹۹ نتایج، بیانگر آن است که بی ثباتی نرخ ارز رابطه منفی و معنادار با رفتار وام دهی بانک های کشور داشته است. به عبارت دیگر، با افزایش بی ثباتی نرخ ارز، بانک ها در پیش بینی بازدهی سبد دارایی خود به دلیل دریافت علائم منفی، به صورت اینکه بازی عمل می کنند و به دلیل نگرانی از وام های معوق از تخصیص اعتبارات بانکی می کاهند و به جای آن ها دارایی های کم ریسک بازدهی آن ها قابل اتکاتر است، نگهداری می کنند. همچنین بر آورد بی ثباتی نرخ تورم، شاخص ادوار تجاری، و شاخص کیفیت اعتباری نشان داد که بی ثباتی نرخ تورم شاخص ادوار تجاری و شاخص کیفیت اعتباری رابطه مثبت و معنادار با رفتار وام دهی بانک ها داشته است. در واقع، بررسی تاثیر بی ثباتی نرخ ارز بر رفتار وام دهی بانک ها در مقایسه با چگونگی تاثیر بی ثباتی سایر عوامل، نشان می دهد که بانک ها |

| | | | |
|---|--------------------|---|---|
| | | | در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود توجه بیشتری به نوسانات نرخ ارز در مقایسه با نوسانات سایر عوامل اثرگذار در پرتوی اعتباری خود دارند. |
| ۵ | قاسمی و اکبری مقدم | بی‌ثباتی مالی تحت یک مدل تعادل پویای تصادفی مطالعه موردی اقتصاد ایران | ۱۳۹۸ بی‌ثباتی مالی زمینه ناپایداری مالی را فراهم می‌کند. بی‌ثباتی مالی در یک بخش می‌تواند شرایط بخش‌های دیگر اقتصادی را به مخاطره بیندازد. همچنین ناپایداری مالی می‌تواند باعث وقوع بحران بانکی در ایران شود، نظام تامین مالی می‌تواند منشأ شکوفایی و یا عامل افول اقتصاد باشد. عدم تقارن اطلاعات در این نظام می‌تواند باعث کژگزینی و کژمنشی شده که ریسک تسهیلات را افزایش می‌دهد. در نتیجه پاداش ریسک افزایش یافته و باعث افزایش نرخ بهره تسهیلات در مقایسه با نرخ بهره سپرده می‌شود. با افزایش نرخ بهره تسهیلات افراد ریسک‌پذیرتر اقدام به گرفتن تسهیلات نموده که نتیجه آن افزایش معوقات بانکی خواهد بود. از طرف دیگر افزایش نرخ بهره باعث می‌شود که تسهیلات بیشتر در قسمت خرید و فروش دارایی و سفته‌بازی که به طور متوسط بازده بالاتری در اقتصاد ایران دارند مورد استفاده قرار گیرد که انحراف منابع را موجب می‌شود. |
| ۶ | رضایی و نوروزی | بررسی نااطمینانی اقتصادی و تصمیمات وام‌دهی بانک‌ها | ۱۳۹۸ در تشریح اثبات یافته تحقیق می‌توان به اثر منفی شاخص‌های بی‌ثباتی اقتصادی خصوصاً، نرخ بهره و تورم بر احتمال نکول و ورشکستگی وام‌گیرندگان و در نهایت بالا رفتن ریسک اعتباری اشاره نمود. نتایج به دست آمده حاکی از ارتباط مستقیم بی‌ثباتی اقتصادی و عملکرد بانک‌ها می‌باشد. این موضوع نشان‌دهنده ساختار و عملکرد خاص بانک‌ها در بازار پولی ایران می‌باشد. به عبارتی دیگر با توجه ماهیت بنگاه محور نظام بانکی عمده سرمایه در اختیار بانک‌ها صرف امور مبادله‌ای و اخذ سپرده‌های با سود کم و اعطای تسهیلات با بهره بالا می‌گردد. لذا در زمان ظهور بی‌ثباتی اقتصادی نیاز مضاعف جامعه به نقدینگی توسط شبکه بانکی تامین و این امر به بهبود عملکرد بانک‌ها |

| | | | | |
|--|------|--|-----------------------------------|---|
| می گردد. | | | | |
| <p>نتایج تخمین مدل VAR بلندمدت (VECM) نرمال شده) نشان داد که اگر بلندمدت تغییرات عرضه کل پول، نرخ تورم تغییرات نرخ ارز و نوسانات قیمت سهام یک واحد تغییر کند، نسبت وام به دارایی بانک مسکن (رفتار وام دهی) به ترتیب معادل 0.134، -0.206، 0.183 و -0.208 واحد تغییر می کند.</p> <p>نتایج تخمین مدل VECM کوتاه مدت نشان داد که اگر در کوتاه مدت تقاضا تفاضل تغییرات عرضه کل پول یک واحد تغییر کند، نسبت وام به دارایی بانک مسکن رفتار وام دهی معادل 0.273 واحد افزایش می یابد. همچنین تفاضل نرخ تورم تفاضل تغییرات نرخ ارز و تفاضل نوسانات قیمت سهام در کوتاه مدت اثر معنی داری بر نسبت وام به دارایی بانک مسکن (رفتار وام دهی) ندارد. علاوه بر این، ضریب ECM دارای علامت منفی بوده و در سطح یک درصدی معنی دار می باشد. بدین مفهوم که پس از گذشت یک دوره مدل کوتاه مدت، به اندازه 0.914 واحد به تعادل بلند مدت خود نزدیک می شود.</p> | ۱۳۹۴ | بررسی تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر رفتار وام دهی بانک مسکن | لشکری، بافنده ایماندوست و حسن نیا | ۷ |
| <p>وام دهی بانک های تجاری با بی ثباتی اقتصاد کلان رابطه بلندمدت و معکوس دارد. به عبارت دیگر، در بلند مدت تغییرات در شاخص بی ثباتی اقتصاد کلان (افزایش) با کاهش در وام دهی بانک های تجاری همراه خواهد بود. بر اساس ضرایب به دست آمده شدت تاثیرگذاری قابل توجه است، به گونه ای که هر افزایش یک درصدی در شاخص بی ثباتی اقتصاد کلان در بلند مدت، 0.4 درصد از میزان وام دهی بانک های تجاری می کاهد. نتایج حاصل از تحلیل یافته ها حاکی از این موضوع است که در ده دوره آتی، وام دهی بانک های تجاری در برابر یک انحراف معیار افزایش در خط های ساختاری خود، ابتدا مثبت و کاهنده است و در پاسخ به شاخص بی ثباتی اقتصاد کلان نیز ابتدا، مثبت</p> | ۱۳۹۲ | اثر بی ثباتی اقتصاد کلان بر رفتار وام دهی بانک های تجاری (مطالعه موردی ایران: ۱۳۵۳-۱۳۸۸) | صامتی و کارنامه حقیقی | ۸ |

| | | | | |
|--|--|--|--|--|
| اما سپس، تا دوره هشتم منفی و پس از آن مثبت است. تابع عکس العمل تحریک وام‌دهی بانک‌های تجاری نسبت به تغییرات در سایر متغیرها نیز گویای این مطلب است که متغیرها با گذشت زمان به سمت یکدیگر متمایز و همگرا می‌شوند. | | | | |
|--|--|--|--|--|

بحث و نتیجه‌گیری

ثبات کشور یکی از مسائل مهم مسئولان و سیاست‌گذاران کشوری بوده است. رشد اقتصاد و تورم پایین از مشخصه‌های مطلوب ثبات اقتصادی است. ثبات می‌تواند هم به صورت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و هم مالی و اقتصادی باشد. به گونه‌ای که تغییر در هر یک از این موارد منشأ بسیاری از تحولات برای کشور است. بی‌ثباتی نیز از تغییرپذیری متغیرها ناشی می‌شود و یک مفهوم کاملاً آماری است اگر عوامل اقتصادی نتوانند یک متغیر کلان مانند تولید یا تورم را به طور کامل پیش‌بینی کنند، نااطمینانی برای آن متغیر به وجود می‌آید. بر اساس تعریف موسسه پی. ار. اس بی‌ثباتی اقتصادی با ۵ عامل تولید ناخالص داخلی سرانه، رشد اقتصادی، نرخ تورم، توازن بودجه به صورت درصدی از تولید ناخالصی داخلی و تراز تجاری به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی شناسایی می‌شود. بی‌ثباتی اقتصادی بر تمامی بخش‌های کشور نقش اساسی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نظام بانکی کشور است. نقش بانک‌ها در اقتصاد ایران به عنوان مهم‌ترین پل ارتباطی بین عرضه و تقاضای منابع پولی هستند. گلزار و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله خود با بررسی توسعه بازارهای مالی بر تاثیرپذیری ادوار تجاری و رشد اقتصادی دریافتند که بالا بودن ریسک فعالیت بانکداری و ریسک نقدینگی و انتقال این ریسک به سایر بخش‌های مالی و اقتصادی کشور، افزایش هزینه و پیچیده شدن فرایند دریافت تسهیلات، تحمیل این هزینه به سایر تسهیلات و کاهش توان تامین اعتبار را به دنبال دارد. همچنین در تحقیق دیگر قاسمی و اکبری مقدم (۱۳۹۸) دریافتند که بی‌ثباتی مالی زمینه ناپایداری مالی را فراهم می‌کند که در نتیجه تسهیلات افزایش یافته و باعث افزایش نرخ بهره تسهیلات در مقایسه با نرخ بهره سپرده می‌شود که نتیجه آن افزایش معوقات بانکی خواهد بود و تحقیقات دیگر که همگی آن‌ها وجود رابطه میان بی‌ثباتی اقتصادی و اصول وام‌دهی بانک‌ها را تایید کردند.

منابع

- باقری، سیده فاطمه (۱۳۹۴). بررسی تاثیر وام‌دهی بانک‌ها در اقتصاد ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- بیابانی، زینب (۱۴۰۰). ارائه مدلی برای تعدیل سرمایه بانک و سنجش تاثیر آن بر کانال وام‌دهی: شواهدی از ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
- پدرام، مهدی؛ کردیچه، حمید و مفتخری بدیعی‌نژاد، طراوت (۱۳۹۵). اثر نااطمینانی اقتصاد کلان بر وام‌دهی بانک‌ها در ایران. فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی در دانشگاه الزهرا (س)، ۴(۴)، ۶۷-۹۰.

- پورعجم، پریسا (۱۳۹۹). بررسی اثر خلق پول بانکی بر متغیرهای کلان اقتصادی در یک الگوی تعادل عمومی مطالعه موردی اقتصاد ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
- جان پناه، فائزه (۱۴۰۱). مطالعه‌ی تاثیر عوامل درون بانکی و برون بانکی بر تسهیلات اعطائی بانک‌های دولتی و غیردولتی در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا.
- خدادادی، فریده و مهرآرا، محسن (۱۳۹۶). عنوان اثر نوسانات اقتصاد کلان بر رفتار وام‌دهی بانک‌های تجاری در ایران. فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۱۸، ۲۳-۳۹.
- دل افروز، نرگس؛ همایون‌فر، مهدی و تقی‌پور تمیجانی، مریم (۱۳۹۸). مدیریت ریسک اعتباری در بانک‌ها با استفاده از رویکرد ترکیبی. مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادر، ۱۰(۳۸)، ۹۴-۱۱۶.
- رضایی، نادر و نوروزی، علیرضا (۱۳۹۸). بررسی نااطمینانی اقتصادی و تصمیمات وام‌دهی بانک‌ها. فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، ۸(۳۲)، ۳۱۵-۳۲۹.
- رمضانت تبار کامی، فاطمه (۱۴۰۰). اثر نوع مالکیت بانک‌ها بر رفتار وام‌دهی آن‌ها در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران.
- رنجی جفروودی، نیما و پورعلی، بیژن (۱۴۰۰). تاثیر مدیریت ریسک اعتباری بر عملکرد وام‌دهی شعب بانک کشاورزی. مجله توسعه و سرمایه، ۶(۲)، ۱۵۷-۱۸۳.
- زنگنه، احسان؛ زمانیان، غلامرضا؛ شهیکی، محمدنسی و چشمی، علی (۱۴۰۱). بررسی اثرات نامتقارن عوامل اقتصادی بر سطح تسهیلات بانکی. پژوهش نامه اقتصادی، ۲۲(۸۷)، ۱۰۹-۱۵۶.
- سامانی‌پور، حسن؛ محمدی، تیمور؛ شاکری، عباس و تقوی، مهدی (۱۳۹۹). الزامات نظارت احتیاطی کلان و تاثیر آن بر ثبات نظام بانکی ایران. فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۴(۵۲)، ۱-۲۶.
- شریف‌پور لاتونی، محمود (۱۳۹۸). تاثیر مناقشات و بی‌ثباتی سیاسی بر روی رشد اقتصادی: شواهدی از کشورهای متکی بر رانت نفتی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.
- صامتی، مجید و کارنامه حقیقی، حسن (۱۳۹۲). اثر بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر رفتار وام‌دهی بانک‌های تجاری (مطالعه موردی ایران: ۱۳۵۳-۱۳۸۸). فصلنامه پژوهش نامه اقتصادی (رویکرد اسلامی-ایرانی)، ۱۳(۴۸)، ۱۲۱-۱۴۵.
- صفائی ایلخچی، مهدی (۱۴۰۰). تاثیر شوک‌های اقتصاد کلان بر متغیرهای سیستم بانکی با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری با تغییر رژیم مارکوف (MS-VAR). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- طاهری، سید نسیم؛ صفوی، بیژن؛ زندی، فاطمه و ربیعی، مهناز (۱۴۰۰). بررسی تاثیر ثبات در صنعت بانکداری بر میزان کارایی سیستم بانکی اقتصاد ایران. راهبرد اقتصادی، ۱۰(۴)، ۶۵۷-۷۲۶.
- عبدی سید کلایی، محمد؛ احسان‌فر، محمدحسین و مظفری آهنگر کلایی، سیده فاطمه (۱۴۰۰). اثر نوسانات نرخ ارز بر قدرت وام‌دهی بانک‌ها در ایران. فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۳۴، ۷-۳۴.

فعال نصیری، محمدرضا؛ خوچانی، رامین؛ آسایش، حمید و سجادی‌فر، سیدحسین (۱۴۰۱). ساز و کار اثرگذاری عوامل اقتصادی بر حجم سپرده بانکی در نظام بانکی ایران (آزمون درون‌زایی پول در مقابل برون‌زایی پول). فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۶(۲)، ۱۷۹-۲۰۰.

قاسمی، افسانه و اکبری مقدم، بیت‌الله (۱۳۹۸). بی‌ثباتی مالی تحت یک مدل تعادل پویای تصادفی مطالعه موردی اقتصاد ایران. پژوهش‌نامه اقتصاد کلان دانشگاه مازندران، ۱۴(۲۸)، ۳۱۹-۳۵۴.

کشاورز، هادی و رضایی، محمد (۱۴۰۰). بی‌ثباتی سیاسی، مالی و اقتصادی در اقتصاد ایران: ابعاد و عوامل موثر بر آن. مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۴(۲)، ۶۹۱-۷۲۴.

گلزار، علیرضا؛ مومنی وصالیان، هوشنگ؛ دامن کشیده، مرجان و محرابیان، آزاده (۱۴۰۰). بررسی توسعه بازارهای مالی بر تاثیرپذیری ادوار تجاری و رشد اقتصادی از نوسانات قیمت نفت. مجله اقتصادی، شماره ۵ و ۶، ۶۵-۹۴.

گلمرادی، حسن؛ محسنی، رضا و گلمرادی، حسین (۱۳۹۶). تاثیر بی‌ثباتی متغیرهای کلان اقتصادی بر منابع و مصارف نظام بانکی ایران. فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، ۳(۵)، ۳۱-۵۲.

لشکری، محمد؛ بافنده ایماندوست، صادق و حسن‌نیا، نیره (۱۳۹۴). بررسی تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر رفتار وام‌دهی بانک مسکن. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۵(۳)، ۱۱۹-۱۳۴.

مظفری، سیده فاطمه (۱۳۹۶). اثر نوسانات نرخ ارز بر قدرت وام‌دهی بانک‌ها در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی ادیب.

مهرآرا، محسن؛ توکلیان، حسن و رحمانی، عطاله (۱۳۹۵). نقش نوسانات اقتصادی بر تسهیلات اعطایی بانک‌ها از کانال سرمایه اضافی بانک. فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۰(۳۷)، ۱-۱۵.

نیکخو، حافظ؛ خلیلی، فرزانه و رحمانی، تیمور (۱۳۹۹). اثر بی‌ثباتی نرخ ارز و تورم در رفتار وام‌دهی بانک‌ها. فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی، ۱۳(۴۴)، ۳۶۷-۳۹۲.

Olabisi, J., Oladejo, D., Adegoke, J., Abioro, M. (2019). Credit management policy and firms'profitability: Evidence from infant manufacturing firms in southwest, Nigeria. Contemporary Economy Journal, 4(4), 5969.